

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی

۰۴ سپتمبر ۲۰۱۲

ما مسؤول رفتن مردم به جنت نمی باشیم .

در قرآن عظیم الشان با زیبایی خاصی میفرماید:

«إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ» (زمر ۴۱).

«ای محمد) ما این کتاب را به حق برای هدایت مردم بر تو نازل کردیم پس هر کس که ، هدایت یافت به سود و فایده خودش است و هر که گمراه شد به زیان و ضرر خودش تمام میشود و تو وکیل و مسؤول آنها نیستی.» مفسرین در تفسیر آیت متبرکه (۴۱ - سوره زمر) می نویسند که اساساً قرآن عظیم الشان برای هدایت و رهنمائی بشریت نازل شده . «إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ» (بطور یقین این کتاب پر جلال و پر معجزه می باشد، بدون این که در آن باطل و اشیاء بی مفهوم باشد، برای هدایت بشریت بر تو فرو فرستادیم). علماء می گویند در مورد کلمه «حق» که در آیت متذکره ذکر گردیده است، می توان دو تفسیر را از آن به عمل آورد .

۱- اول این که نزول و ارسال قرآن عظیم الشان به پیامبر صلی الله علیه وسلم ، به حق صورت پذیرفته است ، و در آن هیچ گونه چیزی باطلی دیده نمی شود.

۲- دوم این که این کتاب حق است (لِلَّهِ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) است ، قرآن عظیم الشان کتاب به حق و در آن جای هیچ گونه شک و شبهه وجود نمی تواند داشته باشد، و برای هدیت متقیان نازل گردیده است .

همچنان در این هم جای شک و شبهه باقی نمی ماند که این کتاب: یعنی قرآن عظیم الشان بر پیامبر صلی الله علیه وسلم غرض رهنمائی و هدایت بشریت نازل گردیده است، بناءً بر انسانها است تا در پرتو رهنمود و هدایت این کتاب آنچه که حق است بدان عمل نمایند و از آن چیز که موجب ضلالت انسانی می گردد از آن باید دوری و اجتناب نمایند، باید به فهم قرآن عمل کرد و زندگی خویش را در فهم و منطق قرآن عیار ساخت، به سوی آنچه که این کتاب

مارا تشویق و ترغیب می‌کند، باید بدان شتافت و آن را عملی ساخت و از آنچه که از انجام آن ما را هشدار داده و منع نموده است، باید هشدار آن را جدی گرفت و خود را از انجام آن دوری کرد.

به هرآنچه که قرآن عظیم الشان ما را فرا می‌خواند، آن را رشد و هدایت به حساب آورد و از آنچه که نهی فرموده، آن را باطل و ناروا شمرد و از آن دوری کرد.

در ادامه آیت شریفه می‌آید :

«فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ» پس هرکس و هر انسان راه هدایت را قبول کرد، راه هدایت را در پیش گرفت، و با دلیل و برهان به سوی حق شتافت به نفع او خواهد بود، زیرا که حکم علمی است که : نتیجه حق پذیری به خود انسان باز می‌گردد.

«وَمَنْ ضَلَّ فَانَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِ» (و هرکس گمراه گردید و از حق روشن کلام الهی سرپیچی و انحراف جوئید، در نهایت امر به زیان و ضرر خودش تمام خواهد گردید، در نتیجه شخص گمراهی خواهد بود؛ و به اصطلاح کیفر عمل انحرافی خویش را خواهد چشید).

«وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ» و تو ای پیامبر! بر آنان به بحیث وکیل و مراقب گماشته نشده‌ای، و موظف نیستی که حق را به قلب، جان و وجود آنان برسانی، و به اصطلاح همیشه مراقب و مواظب آنان باشی که آنان انحراف ننمایند. زیرا که تو نمی‌توانی آنان را به اسلام و ایمان به اجبار وادار سازی. تنها وظیفه تو رساندن پیام آسمانی است، نه نگرانی از دل‌های مردم و یا اجبارشان به پذیرش حق.

ایمان یک عقد، و پیمان و التزام قلبی و درونی است که انسان با اختیار خود آن را باید بپذیرد. بدین اساس دین مقدس اسلام ایمان اجباری را قبول ندارد و پروردگار با عظمت ما انسان را آزاد گذاشته است تا با تحقیق دین را انتخاب کند.

در منطق قرآن، کسانی که انتخاب کننده دین ناحق باشد آن را کافر و کسانی که قبول کننده دین حق باشد آن را مؤمن مسمی می‌کند. در این محاسبه کسی می‌تواند مسلمان باشد و سرانقیاد و تسلیم به راه حق فرو آورده باشد اما مؤمن نباشد.

چنانچه گفتیم مؤمن همان رابطه و تعهد داخلی است که از آن تعهد و صداقت آن، الله تعالی و خودش شخص مسلمان و مؤمن خبر دارد.

دین مقدس اسلام برای انتخاب دین قاعده و قانون را وضع نموده است که پایه و بنیاد این قانون در (آیت : ۲۵۶ سورة بقره) با ظرافت خاص بیان یافته است :

پروردگار با عظمت ما می‌فرماید: « لا اكره فی الدین قد تبین الرشد من الغی ... » (اجبار و اکراهی در (قبول دین) نیست، چراکه هدایت و کمال از گمراهی و ضلال مشخص شده است).

شان نزول آیت متبرکه : این آیت در سورة بقره بوده و سورة بقره بعد از هجرت به مدینه آغاز گردیده است. وحی این سورة زمانی آغاز یافت که نظام اسلامی در حال شکل‌گیری و استحکام بود.

مفسرین می‌گویند : که این سورة در باره مردی از اهل مدینه و از قبیله بنی سالم بن عوف، در مورد شخص به نام «حصین»، نازل شده است :

قصه طوری است که: «حصین» که خودش مسلمان شده بود، دو پسر داشت که نصرانی بودند و تا هنوز بدین اسلام مشرف نشده بودند.

این مرد داستان رابه حضور محمد صلی الله علیه و سلم عرض داشتند که یا رسول الله! آیا می توانیم آن دو را مجبور به قبولی دین اسلام کنم . چون آنان حاضر نیستند که غیر از نصرانیت دین دیگری را بپذیرند؟! در جواب آیت شریفه « **لا اکره فی الدین ...** » نازل شد .

همچنان برخی از مفسرین در شأن نزول این آیت فرموده اند : مردی از انصار غلامی داشت سیاه پوست به نام «صبیح» می خواستند او را به دین اسلام به زور مجبور سازند.

در همین اثنا آیت «**لا اکره فی الدین**» بر پیامبر محمد صلی الله علیه وسلم نازل شد و به «صبیح» و تمام مسلمانان هدایت داده شد تا در پذیرش دین کوچکترین اجبار واکرهی را بر مردم روا ندارند و فرمود: که انسان ها از کمال اختیار و آزادی برخوردار می باشند .

همچنان حضرت عمر رضی الله عنه پیره زن نصرانی را به دین مقدس اسلام دعوت کرد؛ او در جواب گفت : «**انا عجوز کبیره والموت اقرب الی**» یعنی من پیر زن بزرگسالی هستم که مرگم نزدیک شده است ؛ چرا در آخر عمر خود مذهبم را رها کنم ؟ حضرت عمر رضی الله عنه بعد از استماع صحبت زن او را بر ایمان آوردن اجبار ننمود ؛ بلکه این آیت شریفه را تلاوت نمود :

« **لا اکره فی الدین** » یعنی ، در دین اجباری نیست» و در حقیقت بر پذیرش ایمان زور واکراه امکان ندارد .
دین مقدس اسلام ارتباط ایمان را با اعضای ظاهری نداشته، بلکه ایمان و عدم ایمان را از اموری قرار داده است که ارتباط اساسی به خواست خود انسان و میل و رضایت درونی او دارد . طوری که خداوند متعال می فرماید:
«**وقل الحق من ربکم فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر**» (بگو : حق (همان چیزی است که) از سوی پروردگار تان (آمده) است (ومن آن را با خود آورده ام و برنامه من و همه مؤمنان است) پس هرکس که می خواهد (بدان) ایمان بیاورد و هرکس می خواهد (بدان) کافر شود) (الکھف : ۲۹)

قرآن عظیم الشأن محمد صلی الله علیه وسلم را به این حقیقت متوجه ساخته است که بر تو فقط تبلیغ دعوت واجب است و تو نمی توانی بر مردم به گرویدن به اسلام اجبار کنی . «**افأنت تکره الناس حتی یکونوا مؤمنین**» (یونس : آیت ۹۹) «آیا تو (ای پیغمبر!) می خواهی مردمان را مجبور سازی که ایمان بیاورند ؟ (این کار نه صحیح و نه سودمند است و نه از دست تو ساخته است). و باز در سوره (الغاشیه :آیت : ۲۲ می فرماید :

«**لست علیهم بمسیطر**» (تو بر آنان چیره و مسلط نیستی)

همچنان قرآن عظیم الشأن در سوره الشوری آیت : ۴۸ می فرماید :

«**فان اعرضوا فما ارسلناک علیهم حفیظاً ان علیک إلا البلاغ**» (اگر (مشرکان از پذیرش دعوت تو) روی گردان شدند (باک مدار و غمگین مشو) چرا که ما تو را به عنوان مراقب و مواظب ایشان نفرستادیم بر تو پیام باشد و بس) همچنان قرآن عظیم الشأن در (سوره مزمل آیه : ۱۹) می فرماید : «**فمن شاء اتخذ الی ربه سبیلاً**» «پس هر کس که بخواهد (می تواند) راهی به سوی پروردگارش اتخاذ نماید»

در این آیت متبرکه جمله « **من شاء** » دلیل بر اختیار و آزادی انسان در انتخاب کفر و ایمان است . « **انا هدیناه السبیل إما شاکراً وإما کفوراً** » «ما راه را به انسان نشان دادیم ، خواه شکر گذار باشد (و پذیرا شود) ، یا (مخالفت کند و) کفران نماید.» در آیات متذکره راه حق و باطل از یکدیگر مشخص شده است و انتخاب هریک به دست خود انسان است، او مجبور نیست و در عمل می تواند هر کدام از این راه ها را که بخواهد انتخاب کند، لکن اگر راه حق و حقیقت را انتخاب کرد، به جنت و سعادت ابدی دست می یابد و اگر راه باطل را انتخاب کرد ، به عذاب دردناک ، و جهنم و بدبختی عظیمی گرفتار خواهد شد .

قرآن عظیم الشان در بیش از (۱۲۰) آیت تأکید نموده است که اسلام به اساس رضایت قلبی و آموزش محض انتشار یافته است و بعد از عرضه شدن اسلام بر مردم ، برای آنها صلاحیت عام و تام داده شده است تا در پذیرش ورد دین آزاد باشند . بنابر همین منطق بزرگ انسانی است که پیامبر محمد صلی الله علیه وسلم بعد از فتح مکه اهل مکه را به حال خود رها کرد و فرمود : «**اذهبوا فأنتم الطلقاء** » : بروید ، شما آزادید و بعد از این فتح عظیم و سرنوشت ساز بر آنان، کسی را به اسلام مجبور نکرد.

ختم

نام مقاله : ما مسول رفتن مردم به جنت نمی باشیم

تتبع و نگارش : الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و مسؤول مرکز فرهنگی د حق لاره- جرمنی